

متفرقات

آبداات تاريخي و آثار مدنيت

افغانستان

جناب فاضل دا کتر (هنري هراس) هسپانوي پروفيسر تاريخ و عتيقه شناسي دارالفنون بمبئي که درين زديکي بمقصد سياحت و تماشاي آثار تاريخي افغانستان وارد شده و نقاط مهمه وطن عزيز ما را از قبيل باميان، بلخ، مزار، اندخوي، ميمنه، هرات، فراه، باميان، قندهار، غزني، کابل، هده، لغمان و غيره را مدققانه ملاحظه نموده اند آخراً نظر بملاقه مندي و دلچسپي که باين انجمن ابراز مي نمود دعوت عصريه بافتخار معزي اليه از طرف انجمن ادبي کابل ترتيب يافته و دران دعوت جناب موصوف نظريات آتي را بصورت يك کانفرانس بزبان انگليسي راجع بتمدن و آثار قديم اين مملکت ابراد نمودند:

ترجمه نطق دا کتر هنري هراس پروفيسر تاريخ و عتيقه شناسي :
افتخار دارم و خيلي خوش وقت هستم که انجمن ادبي به اعزاز من عصريه ترتيب داده است چون من به تتبع و مطالعه تاريخ قديم علاقه و ذوق مخصوصي



سر هنری هراس پروفسر تاریخ و عتیقه شناسی
دارالفنون بیانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دارم همین علاقه سابق من گردیده که به افغانستان وارد شدم تا در باب تاریخ قدیم آن معلوماتی حاصل کنم بدوران سیاحت مختصر خود از طرف برادران افغانی خیلی سلوک خوبی را مشاهده کرده ام که مرا مسرور ساخته است. از ملاقات اعضای انجمن ادبی خیلی ممنون و مسرور شدم هر وقتیکه به انجمن رفته ام از حسن سلوک آنها خود را در خانه خویش می شمردم باعث مسرت من است که اعضای این انجمن در کار خود اخلاص و صمیمیت داشته فعالیت بکار میبرند من هم در کار مثل آنها اخلاص و صمیمیت دارم اما شاید مثل آنها فعال نباشم.

می آئیم بموضوع افغانستان! موقعیت جغرافیائی افغانستان طور است که سیاح در آن آثار و آبادات چندین تمدنهای مختلفه را مشاهده میکند. غالباً همین تنوع زیاد تمدنها عبارت است از تمدن واحد افغانستان این تمدن از جمله اجزای ترکیب آن اختلاف کلی دارد.

این تمدن را در عین حال که یونانی است نمیتوان محض یونانی دانست! هندی است اما فقط هندی هم نیست! تارسی است ولی تنها فارسی هم نیست! پس این چیست؟ این تمدن جوهر و مجموعه کل آنها و نسبت بهمه آنها قیدت دارد تر است اگر کسی بغور و وقت تمام مطالعه این تمدن درخشانرا کند مبهوت شده بفکر می افتد که آیا مملکتی در دنیا هست که تمدن آن بامرور ازمنه و دهور مثل تمدن افغانستان عالی و قابل ملاحظه باشد!

این تمدن از کجا و بچه علت بوجود آمد؟ حمله آوران مختلف که در ادوار گذشته بقصد هندوستان در دیار و بلاد افغانستان داخل شده اند محیط خوشگوار یعنی میدانهای مزروع، کوههای براز چشمه، مراتع زیاد و دشت ها و جلگه های

این مملکت کاملاً آنها را مسحور و متأثر ساخته تا درین سر زمین توطن گزیده از مناظر زیبای آن بهره اندوز گردیده اند و با این ترتیب تمدن و تهذیب خود را در کالبد افغانی در آورده یک چیز مرغوب تر و قشنگ تر را بوجود آوردند گویا در هر صورت و مرحله تمدن جدید افغانی از تمدن سابقه آن بمراتب بلند تر رزبیا تر گردیده . شك نیست آثار و آبدات این تمدن بزبان حال معیار بلند افکار و تخیلات باشندگان قدیم افغانستان را اعلان میکند که بزرگی و عظمت شهر قدیم بلخ شاهد آن است . بلخ مرکزی بود که تمدی رومی از مغرب و چینی از مشرق و هندی از جنوب مشرق بتوسط کاروانهای بربار در آن با هم ملاقی شده جوهر و مجموعه هر سه تمدن و امتلا و مشعشع بوجود آوردت ها و معابد بامیان و نواحی آن از جمله شاهکارهای تمدن ماضی این سر زمین میباشد مجسمه های رومی که افقی ساخته می شد کار ساختمان آن آسانتر بوده اما بت های بامیان با مهارت نامه و فوق العاده عمودی ساخته شده و جمله معابد بامیان به یک سلسله زینه ها و سرنگ ها با هم پیوسته میباشد و هیچ عتیقه شناسان اروپائی ملتفت این نکته نگردیده هر یک معابد را جدا گانه شرح داده اند . بعقیده من بت های بامیان نظیری در دنیا ندارند ^{شواکه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی} در باب مجسمه های قشنگ « هده » اظهار مینمایم که این مجسمه ها عبارت ^{از معجزات الهی} از آمانت ^{استعلام از الهی} و مقبول یونانی و بودائی چه در یونان مجسمه ها را بر اقتضای تمدن خود در تقلید و نقل بشکل (حقیقت) می تراشیدند یعنی حس شجاعت ، مردانگی ، عقل و غیره کاملاً از مجسمه های یونانی تراش میکرد در هندوستان مجسمه هارنگ روحانیت و تخیلات را داشت حالانکه تمدن ماضی هده این هر دو صنعت را بکمال مهارت و صفائی با هم آمیخته شیر و شکر ساخته است یعنی مجسمه های یونانی کیفیت حقیقی معبودان فرضی آنها را دارند اما از تخیلات عاری و مجسمه های هندی بر از تخیل و

روحانیت لیکن از توازن شباهت به ساختمان جسم خالی است مجسمه های گندهارا در صفائی و نزاکت با مجسمه های هده همسری کرده نمیتواند این يك نمونه تمدن يك حصه این سر زمین است اگر بطرف تعمیر شهری افغانستان نظر نمایم می بینیم که باشندگان قدیم این دیار در تعمیر شهرها (خصوصاً) غلغله، ضحاک، سرکشک صفا و غیره هنر مندی و فن حرب خود را بکمال رسانیده اند در نواحی سبز و آرزو نیه سنگی را دیدم که از دور سنگ های کلان و کوه بزرگی معلوم میشد موقعیکه نزدیک آن رفتم دیدم که يك طاق بزرگ و قشنگی است که در اصل مدخل شهر با عظمت و جبروتی بوده. صنعت شکفت آور و غریب قلعه بست را دیده نادیری مبهوت ماندم. این از بهترین و اعلی ترین نمونه گنج کاری زمان محمود غزنوی است. عمارتی است که خشت های پخته آن را بطوری در قالب ریخته اند که هم زین و آرایش خود را از دست نداده و هم خط کوفی در همین خشت ها تحریر شده. این صنعت بهت آور را در مینارهای غزنی هم مشاهده کردم. اگر به بند سلطان در فریب غزنی نظر افکنیم معلوم میشود که علم هندسه و میخانیک در آن بکمال رسانیده شده گو یا شهید حسین عهد غزنویها بهر کمالی از هندسه و میخانیک داشتند. اگر بطرف علم و عرفان افغانستان متوجه شویم آن را کانون علم و ادب می بینیم که اگر افغانستان به مرتب بودن ادب و علم هر قدر فخر و مباهات کند کم است. شاهنامه فردوسی که افغانستان بلکه کل شرق بر آن فخر میکنند نتیجه سر برستی سلطان محمود جواد و علم دوست افغانستان است. اگر سلطان محمود غزنوی سر برستی نمیزمود این شاهکار ادبیات فارسی گاهی بوجود نیامد همچنان شعرای نامور و بلند پایه بدربار سلطان حسین میرزای هرات پرورش می یافتند. مصوری و نقش و نگار افغانستان هم مرتبه بلندی را دارد. رسامی های حیرت انگیز بهزاد و دیگر مصورین که بدربار سلطان حسین

با یقرا بودند انظار تماشایان را خیره میکند. بهزاد اگر چه نقشه چنگ چنگیز خان و جلال الدین خوارزمی را رسم کرده و یاد آن خیلی اسفناک است لیکن منظره و کیفیت آن را به نیروی تخیل قوتناک خود فوق العاده رسم کرده. هکذا نقش و نگارهای برزاکت قبور سلاطین غور (درهرات) و خاندان کولتاشی در کابل درزاکت فن حجاری نظیری بخود ندارد. حسن حقیقی و تناسب خطوط قبر میرزا «الغیبیک» (درهرات) شخص را بی اختیارانه طرف خود جلب میکند. این مقبره را به اشتباه به عبدالرزاق نسبت میدهند. نقش و نگار محیر العقول و کاشی کاری های هرات و بلخ و مزار شریف جدت افغانها را بدرجه احسن آشکار مینماید من از تماشای منظره مقبره احمد شاه درانی خیلی مسرور و محظوظ شدم زیرا که از ان یک جهان زهد و تقوی و وقار تراوش مینمود و گلکاری دل آویز داخلی آن بسیار برزاکت و استادانه بود. من که پیشتر خوش وقت و خورسند شدم ازین بود که حکومت موجوده این نقاشی خراب شده را توسط نقاش های امروزه ترمیم و تجدید میکند که در فن محلی قدیم خود قابل ولیاقت نامه دارند. من انشالله در کتاب خود ذکر این نقاشی را حتماً خواهم کرد همچنان ترمیم مقبره میر و بس نزدیک قندهار خیلی مزه است و مسرور ساخت چه ساختمان آن به محیط افغانستان عیناً مطابق و چون بوضع طبیعی است خیلی جذاب و مقبول واقع میشود در این جایی اختیارانه اظهار مینمایم که معاصرت افغانستان و لباس افغانها و مساکن افغانها مطابق محیط و فطرت آنهاست چین خوشنما و کشال که قریباً در تمام افغانستان استعمال میشود بسیار خوش من آمد چنانچه یکی از آن را خریداری نمودم و تصمیم دارم که در مواقع جشن و خوشی این لباس بی تکلیف را بپوشم؛ باید دانست که لباس اروپائی یعنی کوت و بتلون لباس اختراعی و تصنع

آمیز بلکه مضحکه انگیز است و چین های صنعتی و شال که افغانها به شانهای خود در خنک می پیدچانند لباس طبیعی و خوشنمای انسان است در مجسمه های یونانی می بینیم که مرد قوی و دلیری يك شال را در بر کرده است چقدر خوشنما و قشنگ معلوم میشود. اگر مجسمه را به لباس متداول امروزه بترسیم خیلی قبیح و کریه بنظر خواهد رسید. کلاه مقبول افغانی هم به اقلیم و محیط افغانستان مطابقت و موافقت میکند. در بعضی حصص شمال افغانستان تندباد میوزد اگر کلاه مغربی بسر باشد شخص مجبور است که یکدست خود را علی الدوام بکلاه خود داشته باشد تا از سر او بهوا بلند نشده سیرضا را نکند اما اگر کلاه افغانی به ترشها باشد مجبور به این تکلیف نمیشوید چنانچه من در هرات به موز سفر میکردم (آنجا يك مدت شمال تند میوزد) حسب عادت خود دست خود را بسر خود بردم چند دقیقه بعد برای من معلوم شد که این فعل من غیر ضروری است کلاه افغانی در سر محکم میباشد و شمال تیز و شدید از براندن آن عاجز است حالا من کلاه افغانی بسر میکنم.

الغرض مدنیت افغانستان آنقدر بلند و مکمل است که بدیگر ممالک هم تأثیر و انتشار یافته است هندوستان هزارها آثار تمدنی افغانی را داشته و بران افتخار میکند. آثار و تعمیرات شاهان جونپور و مالوه نمونه بلند و قشنگ معماری افغانی را نشان میدهد. در ادوار سلاطین افغانی را در هندوستان نمونه معماری بودائی و اسلامی شروع و در زمان امپراطوری مغلیه به عز و کمال خود رسیده بود* شاه جهان که عماران زیاد بحکم او تعمیر شده و از باعث تعمیر « روضه تاج محل » نام نامی او معروف گشته در شهزادگی خود بکابل آمده بود که فقط سلیقه تعمیر افغانی را ملاحظه کند بعقیده من او این عمارت شاه جهان در افغانستان عمانی بود

در بالا حصار که شاهان کابل در آن دربار میکردند و حالا ازین رفته مسجد باغ با بر
 بسیار بعد از آن ساخته شده درین موقع ذکر شیر شاه سوری ضرور است . شیر شاه از بزرگترین
 پادشاهان هندوستان بود این شخص جرات و فعال بیدار و هوشمند در ظرف پنجسال تاریخ
 هندوستان را کاملاً تبدیل نمود . در آن زمان مثل زمان حالیه وسایل حمل و نقل وسیع
 و آسان نبود لیکن این شخص در هندوستان در مدت کمی جاده عظیمی تیار کرده مقبره
 شیر شاه در سهرام در یک تالاب بزرگ مصنوعی ساخته شده عمارت این مقبره آنقدر عالی
 و بزرگ و با عظمت است که آدم از معاينه آن دچار بهت و حیرت میشود
 شیر شاه سوری افغان چون از افغانستان بود لذا در آن مقبره بزرگی جای گرفت
 تا بزرگی هندو کس و جبال افغانستان در حد هم همیشه بیادش باشد . بعقیده من این مقبره
 در عظمت و صلابت خود از تاج محل هم بلندتر میباشد . این حسن و خوبی
 تمدن بومی افغانستان را دیده در نتیجه باید اظهار کنم که از تقلید تمدن ممالک
 خارجه برهیز نمائید . نمیگویم که از دیگران چیزی نیاموزید فی بلکه ضرور
 تعلیم بگیریید لیکن صرف برای اینکه تمدن و مدنیت خود را ترقی بدهید و آن را
 بدرجه بلندی ببرید نه برای اینکه تمدن مشعشع و پسندیده خود را به تمدن
 خارجه تبدیل کنید چه ^{ششکاه علم انان و مطالعات} تمدن خارجه در محیط شما کاملاً غیر مانوس غیر طبیعی
 و بیگانه خواهد بود بنا بران ^{فائده علمی معنی} است مثلاً مسجد مربع دو منزله
 که بلب در بای کابل ساخته شده (مقصود نطق کنندگان مسجد شاه دو شمیره است -
 مترجم) بعقیده من مخالف محیط و طبع افغانیان بوده ساختمان آن که به تقلید
 عمارات غربی ساخته شده و اثری از شرقیت در آن هویدا نیست خیلی ثقیل و
 کرخت معلوم میشود . مساجدی که قرار فن معماری خود بومیان ساخته شده
 گلپائی است که دل و دماغ بینندگان خارجی از آن شاد و معطر می شود .
 منلیکه قطب مینار دهلی اگر چه خیلی بزرگتر و ضخیم تر است اما در اصل نقل

مینارهای ستاره شکل غزنی می باشد. باید دیگران تمدن مقبول و مرغوب افغانستان را نقل کنند نه شما تمدن غیر مانوس خارجه را. در آخر باید جدت کارانجمن ادبی کابل را که در راه ادب و تاریخ شعبات تمدن انجام داده اند تحسین و تمجید نمایم چون من خود شوق تاریخ قدیم ایشیا را بسیار دارم لذا از اعطای محترم انجمن ادبی استمداعی نمایم که درین راه کوشش انتہائی خود را بصرف رسانده تاریخ قدیم افغانستان را به تکمیل رسانند بنده هم بقدر وسع خود بیک کتاب مکمل تاریخ افغانستان را خواهم نوشت. مؤسس این انجمن مفید قابل هزار گونه تقدیر و تحسین میباشد. امید می رود که این انجمن معارف قدیم افغانستان را زنده و تازه خواهد ساخت.

سیس ع، ص شهزاده احمد علیخان درآئی مدیر انجمن نطق آئی را بطور شکر به بجواب معزی الیه بزبان انگلیسی ایراد نمود که ترجمه فارسی آن قرار آتیست :

سواد نطق ع، ص شهزاده احمد علیخان درآئی مدیر انجمن ادبی :

من از طرف خود و انجمن ادبی از اجمع به بیانات خوب و عالی که در باب تمدن قدیم وطن ما « افغانستان » ایراد فرمود بدتشکر میکنم. علاقه مندی و دلچسپی که جناب شما از بدو ورود خود راجع به تمدن و تهنذیب قدیم این سرزمین همیشه ابراز میفرمائید جالب تمجید و تحسین ما و همکاران ما گردیده است آرزو داریم که شما در کاربرد زحمت خود (یعنی تدوین تاریخ و آرکیالوجی مملکت عزیز ما) که بدوش خود گرفته اید فائز المرام و کامیاب شوید. پیش از تأسیس انجمن ادبی متاسفانه تاریخ صحیح افغانستان که جامع و مستند و معتبر باشد وجود نداشت و می توانم که بگویم که مواد زیاد تاریخ قبل از اسلام این سرزمین از یاد کارهای قدیم ناربخی

مثل کتبه های مجسمه ها مسکوکات و ابدات و نسخه های قلمی حاصل می شود ولی
 ولی شکی نیست که مطالعه و تحقیق آن کاریست پر زحمت .
 چندین سیاحین اروپائی درین مرز و بوم ما سیاحت نمودند لیکن به استثنای
 بعضی کتب آنها از سفر « نامه ها » بیش نیست چه آنها یا از مباحث ضروریه
 بصورت سطحی گذشته اند یا برای یافتن آثار آن کوششی نورزیده اند تاریخ قدیم
 افغانستان یک مسئله پیچیده و قابل تحقیق طلب است و همچنان تمدن آن نیز از
 پیچیدگی ها خالی نیست زیرا حادثات چندین ساله کشور و عدم وسائل موقع
 نداده بود تا درین راه تحقیقات لازمه بعمل می آید اما انجمن ادبی از بدو تأسیس
 خود به تدوین یک تاریخ مستند کوشش انتهائی خود را مبذول نموده و می تواند
 بگویم که مادر مساعی ابتدائی خود کامیاب شده ایم و امیدواریم که در آئینه قریب تاریخ
 قدیم افغانستان را طبع و نشر کرده بتوانیم ما تمام اعضای انجمن ادبی خوشوقت
 می باشیم که شما نیز این موضوع مهمه را مورد مطالعه دقیق خود گرفته اید و در
 سدد هستید که تبعات تاریخی خود را بحواله های مستند تاریخی با هم مربوط نمائید
 ما بنظریه عالی شما موافقت داریم و امیدواریم شما نه مقصد خود کامیاب شده اثر
 گرانبھائی از شما بیادگار بماند ما به شما اطمینان میدهیم که در راه انجام این
 مقصود عالی شما که عبارت از تدوین و تحقیق تاریخ و وطن عزیز ماست از هیچگونه
 امداد و اعطای معلومات خود داری ~~نکنیم~~ زیرا مقصد شاهانه اعلیحضرت شهید
 محمد نادر شاه غازی و حکومت موجوده از تأسیس انجمن ادبی یکی همین بود که
 تاریخ افغانستان باستناد صحیح تدوین و تمدن زیبای این سرزمین پاینده بماند
 و نیز در ادبیات و معارف افغانستان نه تجدید بلکه رقی نمایی حاصل گردد آنچه
 را که در باب ترویج عمارات بطرز قدیم که صنعت و حجاری مخصوصی داشت بیان
 فرمودید بنظر استخوان می بینیم